

پوریای ولی شاعر پهلوان + اشعار

۲۸ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۳:۰۶

در ریاض الشعرا ذکر شده است که پوریای ولی از این مقام و منصب خود در جهت ارشاد و هدایت مریدان خویش بهره می‌برد و جدا از تعالیم و تمارین کشتی، سحرخیزی و مروت و شکستگی نفس و افعال حسنه و اخلاق حمیده و هر آنچه خوب و خوبی است را بر شاگردان خود فرض می‌دانست.

جوان و تاریخ: تاریخ تولد محمود پهلوان یا پهلوان محمود خوارزمی و یا همان پوریای ولی به طور دقیق مشخص نیست. در تذکره‌های موجود از کسوت پهلوانی او و هم‌چنین طبع ادبی سرشارش سخن فراوان گفته و نوشته‌اند در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری (اواسط قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم میلادی) می‌زیسته است. وی از جمله افرادی است که در تذکره‌ها، داستان‌های متعددی درباره‌اش آمده است که بعضاً به افسانه‌پردازی بیشتر شباهت دارند. کتاب مثنوی «کنزالحقایق» و برخی تذکره‌ها نیز کتاب دیگری با عنوان «مثنوی عباسی» را از آن محمود پهلوان می‌دانند. هم‌چنین یک نسخه خطی نیز در خوارزم یافته‌اند که شامل ۳۳۴ رباعی است و دانشمندان در تعلق تمامی آن‌ها به وی تردید فراوان دارند.

آنچه به احتمال فراوان در مورد وی صحت دارد این است که خانواده‌اش از اهالی کهنه اورگنج (شهری باستانی در شمال شرقی ترکمنستان) بوده‌اند و پس از حمله مغول، پوریای ولی در مسیر حرکت به سمت خیوه (شهری در استان خوارزم ازبکستان) متولد می‌شود. محمود پهلوان، کشتی‌گیری و پهلوانی را از پدرش می‌آموزد و در این کسوت سرآمد پهلوانان ایران و هند می‌گردد؛ چنانکه در ریاض الشعرا ذیل نام وی چنین آمده است:

«پیر فلک که عالمی را افکنده، افتاده‌ی وی، چرخ کهن که جهانی را انداخته، ناف بر زمین نهاده اوست. به سنت والدۀ بزرگوار خویش در کسوت کشتی، جهانی را زنده کردی و در لباس آزادی، عالمی را بنده نمودی...»

در همین ریاض الشعرا ذکر شده است که پوریای ولی از این مقام و منصب خود در جهت ارشاد و هدایت مریدان خویش بهره می‌برد و جدا از تعالیم و تمارین کشتی، سحرخیزی و مروت و شکستگی نفس و افعال حسنه و اخلاق حمیده و هر آنچه خوب و خوبی است را بر شاگردان خود فرض می‌دانست. هم‌چنین آمده است که کشتی‌گیری و پهلوانی تنها حرفه پوریای ولی نبوده است و او یک کارگاه دوزندگی داشته و در این امر نیز صاحب تبحری خاص بوده است.

اشعار و خصوصاً رباعیات پوریای ولی دست کم در عصر خود و در میان شاگردان وی از اعتبار بسیار بالایی برخوردار بوده است و حتی برخی وی را از عوامل پیشرفت ادبیات آسیای مرکزی و حتی تر ایران می‌دانند. پوریای ولی در رباعیات خود گرایش زیادی به خیامی سرودن دارد و علاقه زیادی به سرایش از مرگ و می و معشوق و آغاز و انجام جهان و به طور کلی افکار فلسفی و اجتماعی نشان می‌دهد. رباعی‌های زیر و شباهت آن‌ها به آثار خیام جالب توجه است:

آتش که النگه می‌زند سینۀ ماست

دریا که چو موج می‌زند دیده ماست

این کوزه‌گران که کوزه‌ها می‌سازند

از خاک برادران دیرینۀ ماست

علاوه بر استفاده از کلمات مورد علاقه خیام هم‌چون کوزه و کوزه‌گر، یادآور این رباعی‌های خیام است: «ای چرخ فلک خرابی از کینۀ توست / بیدادگری پیشۀ دیرینۀ توست / وی خاک اگر سینۀ تو بشکافند / بس گوهر قیمتی که در سینۀ توست» یا «در هر دشتی که لاله‌زاری بوده است / از سرخی خون شهریاری بوده است / هر شاخ بنفشه کز زمین می‌روید / خالی است که بر رخ نگاری بوده است».

هنگام سحر نرگس و هم لاله شکفت

مرغ سحری ناله کنان این می‌گفت

می‌نوش که بی‌نشان خواهی مرد [با همین اشکال وزنی مشاهده شد]

برخیز که در خاک بسی خواهی خفت

این رباعی بی‌شک ذهن‌های آشنا با خیام را به سمت این شعر رهنمون خواهد بود: «چون عهده نمی‌شود کسی فردا را / حالی خوش

کن تو این دل سودا را/ می نوش به ماهتاب ای ماه که ماه/ بسیار بگردد و نیابد ما را».

ما شیرۀ تلخ هری و بلخ خوریم

از هر ماهی، ز غره تا سلخ خوریم

تقدیر چنین بود که صاف عنبی

زهّاد تُرش خورند و ما تلخ خوریم

اگر پوریای ولی سعی فراوان داشته است یاد این رباعی خیام را زنده کند، باید گفت بسیار موفق بوده است: «چون عمر به سر
رسد، چه شیرین و چه تلخ/ پیمانۀ چو پر شود، چه بغداد و چه بلخ/ می نوش که بعد از من و تو ماه بسی/ از سلخ به غره آید، از
غره به سلخ»

علاوه بر این دست رباعیات که مشابهت‌های فراوانی به رباعیات خیام دارند (دست کم تقلیدی هستند قابل قبول)، پاره‌ای از آثار
پهلوان محمود خوارزمی نیز با موضوعات روز زندگی و دغدغه‌هایی انسان‌دوستانه و نگرشی پهلوان‌مآبانه سروده شده‌اند که به عنوان
نمونه چند مورد ذکر می‌شود:

گر بر سر نفس خود امیری مردی

ور بر دگری خرد نگیری مردی

مردی نبود فتاده را پای زدن

گر دست فتاده‌ای بگیری مردی

گر کار جهان به زور بودی و نبرد

مرد از سر نامرد برآوردی گرد

این کار جهان چو کعبتین [است] و چو نرد

نامرد ز مرد می‌برد، چتوان کرد؟

با بد منشین [و] باش بیگانه او

در دام افتی اگر خوری دانه او

تیر از سر راستی کمان را کج دید

بنگر که چگونه رست از خانه او

مرگ پهلوان محمود خوارزمی یا همان پوریای ولی هم‌چون تولد و وقایع زندگی او در حاله‌ای از ابهام است و هرچند تمامی منابع وفات او را سال ۷۲۲ هجری قمری ذکر کرده‌اند اما سه آرامگاه به نام او وجود دارد؛ یکی در شهرستان خوی از استان آذربایجان غربی، یکی مابین فومن و صومعه‌سرا و یکی در شهر خیوه کشور ازبکستان. البته طبق منابع احتمال اینکه مقبره خوی، آرامگاه اصلی وی باشد بسیار بیشتر است.

منابع:

۱- بردی قداراوف، رحمان (۱۳۷۶)، پهلوان محمود (پوریای ولی) در منابع و کتاب‌های آسیای مرکزی و ترکمنستان، ایران

۲- والۀ داغستانی علیقلی خان (۱۳۹۰)، تذکرۀ ریاض الشعراء، تصحیح ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۷۰۵/پوریایلی-شاعر-پهلوان-شاعر-ولی-پوریایلی>